



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

ریاضیات و علوم انسانی

هنری از چنان اهمیت بارزی برخوردار است که باعث شده حتی برخی منتقدان غرب شعر را منبعث از سنت بدانند، نه از تراوشات روح و روان شاعر: «احساس هنری غیرشخصی است!»

با توجه به سنت و بررسی دقیق غزل‌های سعدی به عنوان یکی از حلقه‌های برجسته آن، مؤلف در بخش نخست کتاب به پیشینه آن پرداخته و غزل‌های شاعرانی چون سنائی، انوری و خاقانی را که هر کدام در ترویج و تکامل نوع غزل فارسی سهیم بوده‌اند، با دقت تحلیل و ارزیابی کرده است.

این بخش از کتاب نشان می‌دهد، چگونه آن مفاهیم و نمادهایی که به اشتباه حافظ را آفریننده آن می‌دانستیم، پیشینه‌ای چندین صد

بی‌تردید، غزل‌های سعدی یکی از برجسته‌ترین شاهکارهای ادب پارسی است که مطالعه و بررسی جداگانه‌ای را ایجاب می‌کند. کتاب **سعدی در غزل\*\*** نوشته دکتر سعید حمیدیان شاید نخستین پاسخ برای این ضرورت باشد.

در این مختصر می‌کوشم، نخست به معرفی کتاب بپردازم تا در پرتو آن برخی مزایا و محاسنی را که در اینجا به آن اشاره می‌شود، نشان دهم:

**توجه به سنت:** هیچ شاعر یا نویسنده‌ای در خلأ و فارغ از سنت ادبی دوران خود نمی‌تواند شعر یا اثری بیافریند. بین سنت و قریحه فردی رابطه عمیق و تنگاتنگی وجود دارد. نقش و جایگاه سنت در آفرینش



تسلط بر متون پیش از حافظ ، آن را به اشتباه از بر ساخته های خواجه شیراز می دانسته اند ، ریشه این نماد را می توان در دیوان خاقانی جست و جو کرد .

**غزل های عارفانه و عاشقانه:** در تذکره ها و کتاب های تاریخ ادبیات و نقد شاید بارها با این دو اصطلاح برخورد کرده باشیم . اما آنچه باید گفت ، این است که در هیچ یک از کتاب های مذکور تعریف دقیقی از این دو اصطلاح ارائه نشده است؛ یعنی گفته نشده که مخاطب با چه معیاری می تواند عارفانه یا عاشقانه بودن غزلی را تشخیص دهد . نویسنده کتاب در پژوهشی بی سابقه برخی از نشانه های غزل عارفانه را ذکر کرده اند . این نشانه ها عینی هستند؛ یعنی مخاطب با

ساله دارد . برای نمونه مؤلف به ابیاتی از سنائی اشاره می کند (ص ۲۸):  
ایا معمار دین ، اول دل و دین را عمارت کن  
پس آنگه خیز و رنلان را سحر گاهی زیارت کن  
بکش خط بر همه عالم ز بهر رند میخانه  
زیارت رند حضرت را برو مسح و طهارت کن  
این ابیات ثابت می کند که برخلاف زعم بسیاری از پژوهشگران که «رند» را از اسطوره های مخلوق حافظ می دانند ، پیشینه ای کهن دارد . نمونه دیگر ، نماد مشهور «پیر مغان» است که محققان به سبب عدم

مشاهده حتی یکی از آنها می‌تواند به عاشقانه یا عارفانه بودن غزل حکم دهد. در اینجا فقط به ارائه چند نمونه بسنده می‌کنم و خوانندگان را برای اطلاع بیشتر به خود کتاب ارجاع می‌دهم:

- ۱- ذکر نام‌ها و صفات پروردگار
- ۲- ذکر نام یا القاب و نعوت رسول اکرم
- ۳- درج تمام یا قسمتی از آیه و حدیث
- ۴- ذکر مصطلحات مکتبی و مدرسی تصوف: تجلی، حال، مقام، توکل، ...

- ۵- ذکر شطحیات معمول در تصوف
  - ۶- ذکر نمادهای عارفانه: می، مطرب، ساقی، ...
  - ۷- انتساب هر گونه اطلاق به عشق و معشوق ...
- بر اساس معیار و نشانه‌های یاد شده، غزل سعدی در سه بخش گونه‌بندی شده است:

- ۱- غزل آشکارا غیر عارفانه: صد غزل یا پانزده درصد غزل‌های سعدی را به خود اختصاص داده است. موضوع این نوع از غزل‌ها شامل عشق معمولی، مدح، طبیعت و حتی اخلاق است.
- ۲- غزل آشکارا عارفانه: حدود سیصد یا چهل و هفت درصد غزل سعدی عارفانه است و بیشتر تحت تأثیر سنت شعر عرفانی است تا خلاقیت هنری خود شاعر.
- ۳- غزل با حال و هوای عارفانه: دربرگیرنده دو سوم از کل غزل‌های سعدی است.

عارفانگی این دسته از غزل‌ها نه از طریق نشانه‌های صریح و اصطلاحات عرفانی، بلکه بیشتر از حال و هوای کلی غزل القا می‌شود. در این نوع از غزل‌ها مسائل و مفاهیم غامض عرفانی با ساده‌ترین معادلشان که ریشه در زندگی تجربی و ملموس بشری دارد، بیان شده است.

**تنوع موضوع یا چندمحوری:** برخی از حافظ‌پژوهان به بررسی موضع استقلال و گسیختگی صوری ابیات غزل حافظ به عنوان برجسته‌ترین ویژگی سبکی او و نیز به بی‌سابقگی آن در شعر فارسی پرداخته‌اند. مؤلف بار دگر گونه گسیختگی و تضاد و تناظر میان مضامین ابیات غزل حافظ، به این نتیجه می‌رسد که تبعاعد میان ابیات غزل‌های حافظ ناشی از تنوع موضوعی است و آنگاه نمونه‌هایی از این چندگانگی از شعر شعرای پیش از حافظ به دست می‌دهد. مؤلف معتقد است که غزل سعدی تک موضوعی است، در برابر شیوه حافظ که تنوع موضوعی یا چندمحوری است و این امر را ناشی از تلقی این دو شاعر از شیوه غزل می‌داند:

- ۱- تلقی سعدی: غزل بازتاب حالات و تأثرات عاشقانه و عارفانه است.
- ۲- تلقی حافظ: غزل بیانگر تمامی اندیشه‌ها، رفتارها، تجارب و کردارهای شاعر است.

البته سعدی از قوالب نظم و نثر، جدا یا با هم، استفاده می‌کرد، از این رو به راحتی می‌توانست اندیشه‌های متعدد و متنوع خود را با آنها بیان کند و از غزل تنها برای بیان حالات عاشقانه و عارفانه بهره گیرد. به همین سبب ساختار غزل‌های سعدی تک موضوعی است. برخلاف سعدی، حافظ که چندان علاقه‌ای به نثر و همچنین قصیده نداشت،

مجبور بود تمامی اندیشه و احوالات خود را در همان قالب غزل بریزد. از این رو غزل‌های حافظ تنوع و گستردگی مضمونی دارد.

**از اندیشه تا هنر:** اگر از منظر ساخت‌گرایی به ادبیات عرفانی نگاه کنیم و کیفیت تجلی شاعرانه مفاهیم برهنه و انتزاعی عرفانی را مورد بررسی قرار دهیم، شاید در آن صورت بتوان اندیشه‌ها و مفاهیم انتزاعی تصوف را در حکم زبان (لانگ: جنبه انتزاعی و ایستای زبان) فرض کرد و نموده‌های عینی و هنری آن را در حکم گفتار (پارول: جنبه عینی و آشکارای زبان) پنداشت.

نویسنده کتاب با مقوله‌بندی درونمایه‌ها و مضامین رایج عرفانی (درواقع همان لانگ‌های عرفانی) و بیان چگونگی تبلور آنها (جنبه گفتار عرفانی) در غزل‌های سعدی، کوشیده تا تصویری از اندیشه و هنر سعدی به دست دهد. این بن‌مایه‌های رایج و شایع عبارت‌اند از:

- ۱- پیمان پیشان (دربارهٔ ازلیت ابدیت عشق):  
میان ما و شما عهد در ازل رفته است  
هزار سال برآید، همان نخستینی  
(ص ۱۹۵)
- ۲- جهان با روی او و بی‌روی او (تعمیم عشق و حضور «او» در همه جا):  
دل گم‌گشته درین شهر نه من می‌جویم  
هیچ کس نیست که مطلوب مرا جویان نیست  
(ص ۱۹۶)

- ۳- ارادهٔ او، ارادت ما (حکایت اخلاص و تسلیم محض در برابر حکم او):  
رای رای تست، خواهی جنگ و خواهی آشتی  
ما قلم در سر کشیدیم اختیار خویش را  
(ص ۲۰۵)

- ۴- در باغ نظر (نگریستن به هر چه زیباست و بی‌بردن به آفرینش ایزدی):  
من چشم ازو چگونه توانم نگاه داشت  
کاول نظر به دیدن او دیده‌ور شدم؟  
(ص ۲۲۳)

**سهل و ممتنع:** یکی از مشکلات نقد و بلاغت ما، گرایش به اجمال و کلی‌گویی در تعریف برخی اصطلاحات است. یکی از آنها اصطلاح «سهل و ممتنع» است. مؤلف با نقد تعاریف این اصطلاح از حدائق السحر و طواط گرفته تا کتاب فنون بلاغت و صناعات ادبی استاد همایی، سعی کرده تا با تفکیک معانی و مصادیق و مرزبندی و تعیین حوزه مفهومی آن، تعریفی روشن و رسا از سهل و ممتنع به دست دهد. مؤلف معتقد است که جوهر و سرشت اصلی سهل و ممتنع در ایجاد «تعادل» است؛ تعادل بین عوامل محتوایی و عاطفه و تخیل و در نهایت با عناصر شکلی شعر. کمترین تفوق و یا نادیده گرفتن یکی از عناصر نسبت به عنصر دیگر سبب به هم خوردن این تعادل خواهد شد. این اعتدال و اقتصاد بیشتر برخاسته از شخصیت معتدل خود سعدی است. تصویرهای ساده شعری از مهم‌ترین نمودهای شیوه سهل و ممتنع است. در شعر سعدی هیچ‌گاه تصویر برای نفس تصویر پدید نمی‌آید. او هیچ اصرار و تعمدی در تصویرپردازی ندارد. از همین روی بیشتر

غزل‌های سعدی بدون تصویر (شعر گفتار) است .

۳- معشوق کلاه دوز:

ما کلاه خواجگی اکنون ز سر بتهاده‌ایم

تا که در بند کله دوزی اسیر افتاده‌ایم<sup>۳</sup>

\*\*\*

۴- معشوق پسر زیبارو:

دی بدان رسته صرافان من بر در تیم

پسری دیدم تابنده‌تر از در یتیم<sup>۴</sup>

در مطالعه کتاب حاضر با مواردی از کاستی‌ها روبه‌رو شدم که به برخی از آنها اشاره می‌شود:

- در صفحه ۳۰ درباره سنائی آمده است: «و از زبان یازیدن به عشق پسران ساده و مغاللات آنچنانی (اروتیک) برای بیان معانی عارفانه نیز باکی ندارد (= سنائی)». البته برخی از غزل‌های سنائی با مضامین عشق‌ورزی به پسران ساده رو، در مایه‌های غزل ملامتی است که برای بیان معانی عارفانه سروده شده‌اند و این امر به واسطه

غزل‌های مذکور که تنها مطلع آنها را ذکر کردم ، تماماً فاقد نشانه‌های عرفانی است و هدف سنائی از سرودن آنها تنها ابراز عشق و هوس‌های جسمانی است نه بیان مفاهیم عرفانی .

- بعضی از اطباء‌های موجود در کتاب هرچند مفید است ، اما چندین ارتباطی با اصل موضوع ندارند ، برای نمونه از صفحه ۱۵۹ تا ۱۶۶ نویسنده در بحث از ساختار قصاید سعدی ، ناگهان از موضوع اصلی خارج شده و به توجیه و دفاع از مدایح سعدی از سلغریان می‌پردازد .

- عرفان مکتبی یا مدرسی یکی از جریان‌های عمده غزل فارسی است ، از این رو ضروری بود بخشی از کتاب به تحلیل این گونه از غزل‌ها که معمولاً عطار را پایه‌گذار آن می‌دانند ، اختصاص داده می‌شد . این کار البته به خواننده باری می‌رساند تا فهم و درک روشن‌تری از غزل‌های سعدی که درست در عکس جریان و سنت مذکور قرار دارد ، داشته باشد .

- در صفحه ۶۸ نویسنده راجع به این ادعاهای عارفانه خاقانی

می‌نویسد:

صورت من همه او شد ، صفت من همه او

لاجرم کس «من و من» نشنوند اندر سخنم

نزنم هیچ دری تام نگویند «آن کیست»

چو بگویند مرا باید گفت که «متم»

«آیا از شاعر مدیحه سرا پذیرفتنی است؟ آیا باید آن را حمل بر دروغ کرد؟» امروزه نظریه‌پردازان ادبی بر این باورند که بین اثر و خالق اثر هیچ ارتباط و پیوندی وجود ندارد و نمی‌توان با بررسی خطوط فکری نویسنده و از جاع آن به متن به معنای نهایی رسید . مطابق نظر مؤلف محترم ، تمام آثار ادبی از جمله اشعار سنائی ، سعدی و حافظ نیز به زیر سؤال می‌رود ، چرا که این شاعران خود از مدیحه‌پردازان نامدار ادب پارسی‌اند .



### پانویشت:

\* دانشجوی دوره دکتری زبان و ادبیات فارسی ، دانشگاه علامه طباطبائی

\*\* سعدی در غزل ، دکتر سعید حمیدیان ، نشر قطره ، چاپ اول: ۱۳۸۳ .

1. Selected Essays, by T.s.Eliot, London. p. 22.

۲- دیوان سنائی غزنوی ، به سعی و اهتمام مدرس رضوی ، تهران ابن سینا: ۱۳۴۱ ،

ص ۸۱۶ .

۳- همان ، ص ۹۸۰ .

۴- همان ، ص ۹۴۹ .

۵- همان ، ص ۱۰۸۳ .

برخی نشانه‌های عارفانه در همان غزل‌ها قابل اثبات است . اما در برخی دیگر از غزل‌های این شاعر صراحتاً به عشق‌ورزی به پسران زیبارو و مغاللات جسمانی اشاره می‌شود . بدون اینکه هدف از سرایش آنها بیان مفاهیم و معانی عرفانی باشد . اینک چند نمونه می‌آورم:

۱- معشوق قصاب:

تا خیال آن بت قصاب در چشم من است

زین سبب چشمم همیشه همچو رویش روشن است<sup>۱</sup>

۲- معشوق لشکری:

بند ترکش یک زمان ای ترک زیبا باز کن

با رهی یک دم بساز و خرمی را ساز کن<sup>۲</sup>